

پیرامون آنچه که در تحلیل دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی عنوان شد.

توطئه امریکا برای فرسایش نیروهای انقلاب ایران در جنگ تحمیلی همچنان جدی است.

دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی در شماره ۳۱ مرداد روزنامه "ارگان حزب - تحلیلی تحت عنوان "جنگ، صلح و نیروهای چپ و طرفدار شوروی" انتشار داده است. در این تحلیل کوشش بعمل آمد که ارزیابیها و هشدارهای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تخطئه شوند. برای رسیدن به این مقصود، تحلیلگر دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی، به نقل قطعاتی از مطالب مندرج در برش و پاسخ ۱۴ شماره دیبراول حزب توده ایران اکتفا کرده و برای رد نظرات سازمان ما، به مندرجات نشریه‌های استاد نمود که از سوی باند انشعابی کشتگر - هلیل‌رودی با نام جعلی "کار" و بنام جعلی "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" با موافقت و رضایت حداقل ضدتوده‌ای و فدایی منتهز جمهوری اسلامی انتشار می‌یابد و لذا کمترین ارتباطی با سازمان ما ندارد. این عملی است حداقل تمجب‌آور که درباره آن سخنی چند خواهیم گفت.

انتشار این "تحلیل" از سوی دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران، قبل از هرچیز دلالت بر این واقعیت دارد که توطئه امپریالیسم امریکا و ادیان منطقه‌ای‌اش برای تحمیل یک جنگ فرساینده طولانی بلاصده تضعیف تدریجی قدرت نظامی، اقتصادی سیاسی و اجتماعی انقلاب ما، توطئه‌ای باقی و بسیار جدی و سایرین مطرح است. ما نسبت به این توطئه و اهداف آن هشدار داده‌ایم و مجموعه روندها و رویدادهای دو ماهه اخیر (تیر و مرداد) کوچکترین شاعدی دال بر نادرستی ارزیابی ما از اوضاع و توطئه امریکایی ارائه نداده است. برعکس رویدادها و روندهای دو ماهه اخیر به روشنی نشان داده‌اند که امپریالیسم امریکا در ادامه جنگ کاملاً "ذبیح" است و این مطلبی است که تحت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز ملل آنرا به تفصیل بیان و اعلام داشته‌اند. امپریالیسم امریکا تمام امکانات جهانی خود را در سطح منطقه بکار انداخته است تا با درگیر نگه‌داشتن جمهوری اسلامی ایران در این جنگ برای مدت طولانی، قدرت انقلابی ایران را چنان بفرساید که زمینه و امکان برای غلبه بر آن و با شکست آن

فراهم آید. لذا هتداز حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مورد ایجاد و اهداف خطرناک این توطئه آمریکایی و کوشش مجدانه ما در جلب توجه واقع بینانه مسئولان جمهوری اسلامی ایران است به این توطئه. نشانه بارز احساس کامل مسئولیت انقلابی ما است. مانند نظر حزب توده ایران، نظر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این بود و هنوز هم ما بر این اعتقادیم که "امپریالیسم آمریکا درصدد تحمیل یک جنگ فرمایشی طولانی مدت به انقلاب ما و تحلیل بردن قوای انقلاب و آماده سازی شرایط برای براندازی آنست. ولی متأسفانه "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران در "تحلیل" خود حتی یک کلمه نگفته است که چرا نظر ما نادرست است، چرا از نظر ایشان خطر تبدیل جنگ به یک جنگ فرمایشی با هدف تضعیف قدرت نظامی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی انقلاب ایران منتفی است و چرا امپریالیسم آمریکا درصدد اجرای این توطئه نیست.

یگانه "دلایلی" که "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران برای تخطئه نظر ما و هتداز ما یافته آنست که اتحاد شوروی نیز توطئه امپریالیسم آمریکا را برای تبدیل جنگ به یک جنگ طولانی فرساینده خاطر نشان کرده است. "تحلیل گر" این تشابه را دلیل "سرسپردگی و اطاعت بی چون و چرای از اوامر کابم نشینان کرملین" دانسته است و با این "تهمت" خواسته است ارزیابی واقع بینانه سازمان ما و حزب توده ایران را بی اعتبار کرده و هتدازهای مشولانه ما را کم اثر کند. این "تهمت" نهایتاً هدف استدلال "تحلیل گر" است. ضمناً باید گفت که "تهمت" ابتکاری نیست، اقتباسی است. سابقان درازی است که "امپریالیسم خیری، هرچنین، هر سازمان، هر حزب و هر شخصی که با امپریالیسم به مبارزه بصرمی خیزد عامل مسکو" معرفی می کند. "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی، بجای تکرار این "تهمت" کهنه، بهتر بود توضیح می داد که گهای تحلیل حزب توده ایران و سازمان ما بیرواقعی و نادرست است. به نظر ما وقت آن رسیده است که بیروان اصل و واقع بین "خط امام" دیگر اجازه ندهند طرفداران خطی که شوروی را مطرح می کند تا آمریکا منسی شود، حزب جمهوری اسلامی را مانس مناسبی برای اشاعه و پیشبرد اهداف خود ببایند.

شگفت انگیزتر اینست که "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران تلاشی کرده چنین وانمود کند که گویا اتحاد شوروی، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همه احزاب کمونیست و کارگری جهان با رژیم صدام موافقت از آن پشتیبانی می کنند و می خواهند نگذارند که رژیم صدام سقوط کند. این دیگر واژگون سازی بیرحمانه حقایق است. ولی قلم گستاخانه حقایق، هیچگاه و در هیچ مورد بهیچ کس کنگ نکرده و نخواهد کرد زیرا قلب حقایق، واقعیات را تغییر نمی دهد.

موضعگیری حزب توده ایران و سازمان ما را در برابر رژیم آمریکایی حنایتکار صدام، خیل صدها شهید فدایی و توده های گواهی می دهند که در جنبه های جنگ تحمیلی، جان باختند و بشهادت رسیده اند. این موضعگیری در تمام نشریات و اظهارات ما بروشنی منعکس است. طرح این ادعای بکلی خودساخته که گویا حزب توده ایران و سازمان از صدام پشتیبانی می کنند بهمان اندازه نادرست است که دروغ سرسریگ صدامیان درباره مثلاً "ساخت و پاحت جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی اسرائیل".

دعوی "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران مسی براینکه همه احزاب کمونیست از رژیم صدام پشتیبانی می کنند برای ما ضمناً این سوال را بطور جدی مطرح می کند که آیا دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی ایران از مبارزه مسلحانه حزب کمونیست عراق علیه رژیم صدام و از پشتیبانی قاطع و همه جانبه همه احزاب کمونیست خاورمیانه از جنبه مخالفان رژیم صدام بی اطلاع است؟ اگر بی اطلاع است وای بر "تحلیل گر" و اگر مطلع است چرا آگاهانه حقیقت را تحریف و واژگونه می کند؟ در هر حال چه از روی اطلاع و چه از بی اطلاعی، نتیجه این تحریفات برینستیم با غیر مستقیم عملاً چیزی نیست جز کب حیثیت برای صدام و تلاشی در جهت ضعف موقعیت جنبه نیروهای ضد رژیم صدام.

از آفتاب روشن تر است که همه نیروهای ضد امپریالیستی در ایران، در عراق و در منطقه، حواساً سقوط رژیم حنایتکار صدام - این آلت فعل آمریکا و ارتجاع در منطقه هستند. نحت سر سقوط صدام نیست، نحت بر سر آنست که چگونه می توان به این هدف دست یافت، امکانات ما و وظایف ما برای دستیابی به این هدف کدام اند. اعتقاد ما براینست که عاقلانه ترین، موثرترین و کم دردترین راه برای رسیدن به این هدف، کمک همه حاسه به اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی عراق و پشتیبانی بهیچ و موثرتر این اتحاد آنست. ما بر این اعتقادیم که جمهوری اسلامی ایران باید وظیفه خود را پشتیبانی همه حاسه از نیروهای انقلابی عراق برای روی کار آوردن یک حکومت مردمی مدب مردم عراق تلقی کند. واضح است که امپریالیسم آمریکا و اداسی می خواهند نیروهای سیاسی شرقی عراق علیه صدام متحد نشوند، زیرا خوب می دانند که بگانه راه حفظ رژیم صدام آنست که مردم عراق متفرق بمانند. در مقابل ما برآنیم که باید یک جریان وسیع و متحد مردمی در عراق شکل بگیرد و تا این نیروی مردمی شکل نگیرد هیچ عامل و نیروی دیگری قادر نیست کار صدام و صدامیان را تمام کند و رژیم نوانند و استوار صدام امپریالیستی مدافع مردم عراق و پشتیبان انقلاب ایران در عراق روی کار آورد. البته، متأسفانه باید گفت که بی ما و برضی معافل وابسته به حزب جمهوری اسلامی ایران که از همه نیروهای مردمی عراق حمایت نمی کنند اختلاف نظر وجود دارد و این یک واقعیت تلخ و قابل تأکید است. ما عمیقاً معتقدیم که سهل ترین راه، بلکه بگانه راه برای سرنگونی رژیم صدام آنست که اولاً از اتحاد فشرده جنبش انقلابی خلق عراق که رو به گسترش است با بلند نظری و بطور همه جانبه حمایت جدی بعمل آید و این واقعیت هرچه بیشتر درک شود که تنها این نیروست که می تواند کار صدام را تمام کند و ثانیاً این سیاست در هماهنگی با سایر کشورهای ضد امپریالیستی و شرقی عرب اجرا شود و مطلقاً از اقدامات و تبلیغاتی اجتناب شود که حاصل آن تضعیف اعتماد نیروهای ضد امپریالیستی عراق و کشورهای منطقه نیست به سیاست و تاکتیک ما گردد و با مورد بهره برداری دشمنان شناخته شده ما قرار گیرد و یا سقوط صدام را به تأخیر افکند.

و اما در مورد استناد "تحلیل گر" به مندرجات نشریه کذا بعنوان نشریه سازمان ما، این سوال برای ما مطرح است که آیا "تحلیل گر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی نمی داند که پس از اشاعت توطئه آمیز باند کشتگر - هلیل رودی، نشریه "کار" ارگان براسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که با اطلاع و موافقت مقامات مشول

دادستانی و وزارت ارشاد انتشار می یافت. به بهانه های گوناگون شناخته شده ای توقیف شد. مسئول و متقاضی آن - رفیق رضا فیرائی - به دادستانی احضار و پس از حضور بازداشت گردید و هم اکنون نیز زندانی است و در محبوس ماند توطئه گر کشتگر - هلیل رودی نشریه ای با همان نام "کار" و با همان عنوان ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار داد و این نشریه که نام ارگان سرابری توقیف شده سازمان ما و عنوان سازمان ما را در دیده است، علائق منتشر می گردید به عقیده ما مطلقاً باید است که "تحلیلگر" دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی از این مطالب بی اطلاع باشد. از جمله باین دلیل که خبر توقیف "کار" واقعی از رسانهای گروهی نیز چندی پیش پخش شد. در واقع سوال اینجاست که هدف "تحلیلگر" از نسبت دادن نوشته های باید کشتگر - هلیل رودی به سازمان ما و سپس انتقاد از این نوشته با محافظ قرار دادن سازمان ما، چه هدفهایی را تعقیب می کند. در مراحل به اعتقاد ما: دفتر سیاسی یک حزب سیاسی حدی که مسئولیت اداره یک کشور را می پذیرد، بهیچوجه انتظار نمی رود به خود اجازه دهد حرفهای گروهکی را که از یک سازمان سیاسی با سابقه و شناخته شده، انشعاب گردید با کمک و حمایت محافل دست راستی، ضد کونیست و مشکوک، نام سازمان ما را روی خود گذاشته و با کمک و حمایت همین محافل، نشریه ای به نام "کار" و با جعل نام سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار می دهد. به عنوان سخن و مواضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نام ببرد و عملاً فعالیت تحریری این باند را به عنوان فعالیت سازمان معرفی کند. زرفتنگری سیاسی و تاریخی، قاعدتهاً باید به تحلیلگر دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی بیاورد که می بایست از سرنوشت تلخ همه دستجات و گروههای انشعابی از حزب توده ایران و سازمان ما پند گرفت و به این نکته توجه داشت که عاقبت کار کسانی که کوشیدند باند خلیل ملکی و گروه موسوم به "سازمان انقلابی" و گروه اشرف دهقانی و امثالهم را به عنوان حزب توده ایران و سازمان فدائیان معرفی کنند به کجا کشیده است؟

در پایان، این نکته نیز درباره "تحلیل" قابل توجه و قابل ذکر است برای اولین بار در ارگان حزب جمهوری اسلامی حرکت مثبتی در جهت برخورد نسبتاً فزاینده و نه دشنام گویی مبتذل، با نظرات و مواضعی که از جانب دگراندیشان مدافع انقلاب طرح می شود به چشم می خورد. هر چند که تحلیلگر حزب جمهوری در حفظ وزن کلام خود بهیچر نیست و در پایان، رشته منطقی را می گسند و به حزب و سازمان دشنام می دهد که "سرمسوده گرطین هستند، با این همه، "لحن تحلیل" وی نسبت به لحن آنچه که سابقاً تحت عنوان امثال "چپ اندر چپ" در نشریه رسمی حزب حاکم جمهوری اسلامی منتشر می شد، و حتی از آنچه که پس از انتشار تحلیل دفتر سیاسی، در سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی تحت عنوان "بدهکاران طلبکار" منتشر شده است گام بلندی به پیش است و این باعث خوشحالی است. چاپ این تحلیل و سپس انتشار آن سرمقاله در عین حال نشان می دهد که هنوز در حزب جمهوری اسلامی ایران دو شیوه متفاوت در برخورد با دگراندیشان عمل می کند: یکی شیوه ای که می کوشد پایه برخورد خود را بر منطق استوار سازد و دیگری شیوه ای که دشنام گویی صرف است پیش می گیرد. ما امیدواریم که در این هنگامه "تخصیص خط ها" در این زمینه حاس نیز نیروی منطق و استدلال بر نیروی دشنام و بهتان چیره شود.

(۷)

بزرگترین ارج گذاری به خاطره شهیدان انقلاب - ادامه مبارزه بسوی اهداف انقلاب است.

هشتم شهریورصادی است با روز فاجعه انفجار بمب در نخست وزیری و شهادت دو تن از شخصیتهای بلند پایه خط امام - رئیس جمهور رحایی و حجت الاسلام باهنر. جنایت فجیع، توسط "عامل نفوذی" ضدانقلاب آمریکایی رخداد که توانسته بود خود را صورت مقام امنیتی مونتر "جاسازی" کند. این جنایت دقیقاً دو ماه پس از فاجعه عظیم انفجار تالار حزب جمهوری اسلامی انجام گرفت که در آن به یکباره هفتاد و چند نفر از مسئولین، گروه بزرگی از انقلابیون راستین خط امامی، شخصیتهای بزرگی نظیر آیت الله دکتر بهشتی و حجت الاسلام محمد منتظری به شهادت رسیدند. بدنبال این جنایات عظیم ترور شخصیتهای دیگری - نظیر آیت الله مدنی، آیت الله دستغیب، حجت الاسلام هاشمی نژاد، آیت الله صدوقی و دیگران - همه از شخصیتهای خط امامی - بدست "منافقین" آمریکا زده، بوقوع پیوست. آخرین توطئه تروریستی عظیم - توطئه طبزاده - سربرمداری بود که "حما را" اهداف مقدم و اصلی قرار داده بود و خوشحانه بموقع کشف و خنثی شد.

ترور شخصیتهای انقلابی، یکی از شیوه های عملی امپریالیسم سرگردگي امپریالیسم سوسیالار آمریکا برای شکستی انقلابهای صد امپریالیستی و مردمی است. این شیوه عمل همه جا بکار بسته شده است. در ایران ما نیز بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، تروریستهای آمریکایی دست بکار شدند و نخستین شخصیت بزرگ سیاسی - مذهبی خط امامی که هدف قرار گرفت و شهادت رسید آیت الله مطهری بود. در ارتکاب این جنایت، دست آمریکا از آستین "فرقان" درآمد. ولی تروریسم سیاسی، آنگاه در ایران مقیاس وسیع بخود گرفت که توطئه آمریکایی بزرگ بنی صدر دچار شکست شد. آمریکا، پیروز شکست خط لیبرالی دولت وقت و سپس شکست توطئه های دیگری نظیر سیاحم مستقیم نظامی (طس) و کودتای نوزده، امید بزرگی به توطئه بنی صدر داشت که با استفاده از مقام ریاست جمهوری و مقام جانشینی فرمانده کل قوا، توانست "برچمدار" تمام نیروهای ضد انقلابی شود و در برابر خط امام، خط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب با اصطلاح خود "تابستد". توطئه سیار بزرگ بود. تمام نیروهای ضد انقلابی، از سلطنت طیبان و ساواکیها گرفته، تا لیبرالها، رهبری حاشی "منافقین"، چه نمایان آمریکایی، مائونیستهای جاسوس نظیر "پیکاری" و "زنجیری" و "اتحاد کونیستیها" و غیره و نیز محافظ السلاطین و دیگران - حبه ضد انقلاب - را برمداری بنی صدر تشکیل دادند. این توطئه توبتی بزرگ با رهبری مدبرانه و قاطع امام و کوشش شخصیتهای انقلابی خط امامی و با نیروی عظیم مردمی انقلاب، با شکستی بزرگ و برای آمریکا غیرمنتظره روبرو شد. یکبار دیگر انقلاب بر ضد انقلاب پیروز شد. مردم اهمیت این پیروزی را درک کردند و بندرستی آنرا "انقلاب سوم" نامیدند.

بدنبال این پیروزی، بدنبال این شکست بزرگ توطئه بزرگ آمریکایی بنی صدر، آمریکا - دشمن اصلی، غدار، همیشگی، جنایتکار انقلاب ایران، تروریسم سیاسی را

به مقیاس وسیع بکار بست و همه سازمانهایی را که در رهبری آنها دست داشت و پس از شکست نوظئه بنی صدر دچار باس شده بودند، براه تروریسم راند با دو هدف، یکی "حذف فیزیکی" شخصیت‌های خط امامی تا بدین وسیله جا برای گذاردن عوامل ضدانقلابی و "نفوذی" در ارگانهای حاکمیت خالی شود. دوم برای براندازن حاکمیت به خشونت و ایجاد محیطی ترسناک و بدین وسیله ایجاد فاصله بین مردم و حاکمیت. آمریکا در مسیر دستیابی باین دو هدف مباحثات بزرگی با انقلاب ما وارد کرد ولی به هیچیک از دو هدف خود دست نیافت. شخصیت‌های موثر خط امامی بزرگی را "حذف فیزیکی" کرد ولی نتوانست آنها را حذف مصوری و "حذف سیاسی" کند. خط امام تصمیف شد که سهل است، پایگاه مردمی آن تقویت یافت و مستحکم تر شد. این پایگاه مردمی خط امام در مراسم سوگواری "۷۲ تن" شهیدای ۷ تیرماه، و در مراسم سوگواری شهدای نخست‌وزیری (رحمانی و باهر) و در مراسم سوگواری آیت‌الله مدنی در تبریز، آیت‌الله دسمبید در شیراز آیت‌الله صدوقی در یزد تجلی حیره‌کننده یافت. در مورد هدف دوم نیز امام مکرر گوشزد کردند (از جمله در همین هفته گذشته) که ساداً حشم و عصب دانستگرمجریان قوانین کیهنی شود. ساداً مظلومی بعنوان ظالم دستگیری و مجازات گردد. ساداً نروغشک باهم سوزد. فقط گناهکاران، تروریستها، جاسوسکاران، آدمکشان، مجازات باید کیهن سبند. آنها متناسب با حرم و حیثیتی که برنگ شده‌اند. حجت‌الاسلام رهنماهایی نیز زارند به خشونت را به دامن تشبه کرد که آمریکا و ضدانقلاب بر سراه راه حاکمیت انقلابی گسترده و باید هوشیار بود و در آن پیغام. این دام گسترده آمریکا و ضدانقلاب نیز سراحام خواست عمل کند.

ولی آمریکا همچنان شوه جناحکارانه تروریسم سیاسی را تا همان دوهدف دنبال می‌کند و ناجایی که نتواند دنبال خواهد کرد. لذا وظیفه انقلابی حکم می‌کند، ارجح تصمیمات مسئولان خط امامی، با نهایت دقت، حفاظت کامل بعمل آید. این وظیفه را لطمه‌ای نباید فراموش کرد. و میر باید صن دستگیری و مجازات تروریستهای آدمکش و مستگذار. صن دستگیری و مجازات هرکس که امتیاب احتیاطی را محفل می‌کند. مواظب و متوجه بود که خو خشونت در کشور ایجاد نشود. آزارشن مکی به قانون در کشور حکمفرما گردد. این هردو وظیفه بر عهده حاکمیت انقلابی و ارگانهای امنیتی، انتظامی و قضایی کشور است.

مناست ۸ شهریور - سالروز شهید شمس جمهور رحمانی و حسن‌وزیر باهر. مردم کشور ما و سازمان ما سوگواری و خاطره این شهیدان و همه شهیدان نامدار و گمنام انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می‌دارند. ولی بزرگترین ارجحی که می‌توان و باید برای بزرگداشت خاطره الهام‌بخش این شهیدان قائل شد، ادامه راه آنها در خط امام، در خط مبارزه اپنثارگرانه برای نیل به استقلال همه‌جانبه است. بزرگترین ارجحی که می‌توان و باید برای این شهیدان قائل شد، مبارزه در راه عدالت اجتماعی بود توده‌های میلیونی مستضعف ایران عزیز است که در پیته آن از خون شهیدان لاله‌ها دمیده و میهن ما استعداد و استحقاق آنرا دارد که به کشور مستقل، آباد و آزاد سربلند و شکوفان بدل گردد. سازمان ما رفقا، در کنار مسلمانان مبارز و خط امامی، در کنار رفقای توده‌ای، در این راه و برای رسیدن به این اهداف والای انقلابی از صرف نیرو و از بذل جان دریغ نخواهد کرد.

در نخستین خطبه نماز جمعه گذشته مانند جمعه قبل از آن ، حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس و امام جمعه موقت تهران ، بازم ضاله احتکار و نیر انحصار و بازار سیاه و ضرورت جلوگیری از آنها را مطرح ساختند . اگر بگفته آقای رفسنجانی ، معاملات عادلانه انجام گیرد ، بخشی مطنبی از تگاترها و تراکم های ثروت و تجاوز به حقوق معرومان از بین می رود . صحبت از رفسبهای میلیونی و میلیاردری است که ضمیمی است برای مکیدن خون مردم . صحبت بر سر گرانی روزافزونی است که نفس مردم مستضعف را بریده و یکی از عمده ترین سببهای آن آزادی عمل سرمایه بزرگ تجاری است که طبیعتاً سببی ناپذیر است و برای مبار آن ، برای جلوگیری از اینکه "جامعه شهید" نشود ، دولت حق دارد (و باید) که هم قیمت را تحصیل کند و قیمت بر روی جنس بگذارد و حق دارد (و باید) که محصر کند و بگوید که فکر در اختیار دولت است ، بجزین در اختیار دولت است ، آهن در اختیار دولت است و در شرایط محیط فایده همه چیز را والی مسلمین و دولت حق دارد که انحصاری کند و تعیین قیمت نماید .

گرانی روزافزون انواع کالاها ی مورد نیاز مردم عمدتاً بدو دلیل روز بروز سر صعودی دارد . یکی بدلیل جلوگیری از دولتی شدن بازرگانی خارجی که مخالفین خط امام ، مخالفین انقلاب مستضعفان ، لایحه قانونی آن را در محاق افکندند (و معلوم نیست از این محاق چه وقت و چگونه بدر آید) و دیگری بدلیل اینکه توزیع داخلی نیز ، به غیر از آن کالاها یی که با کوبن و بوسیله دولت به مردم واگذار می شود ، عمدتاً در دست سرمایه بزرگ تجاری است .

سرمایه بزرگ تجاری که هم در عرصه بازرگانی خارجی و هم در عرصه بازرگانی داخلی بگفتاری می کند نه فقط بدلیل خصلت سودجوی سرمایه ، گرانی را تفلای کش به پیش می راند ، و بدین وسیله بدنبال سود ، حداکثر با ناراضی کردن مردم مستضعف ، بوربا نعمار پایگاه مردمی انقلاب را می چود ، بلکه ، همچنین از نظر سیاسی پایگاه ضد انقلاب است زیرا احساس می کند که اگر خط مردمی امام پیروز و مسلط شود ، میدان غارتگری و چهارول از چنگ او بدر خواهد آمد . این پایگاه اقتصادی - سیاسی ضدانقلابی را باید درهم کوبید والا با تمام نیرویی که در اختیار دارد از هراقدامی که بخواهد میدان عملش را بسود مردم و بسود تحکیم انقلاب محدود کند ، سرسختانه جلوگیری خواهد کرد . نمونه آن " طرح برنج " است که بگفته نماینده تنگابن در مجلس " جوانرگ " شد (نطق ۲۷ تیرماه) و حالا دوباره خط امامی ها در دولت سعی دارند آنرا برای سال آینده به نوعی زنده کنند زیرا بگفته آقای سلامتی وزیر کشاورزی " در این زمینه سیاست وزارت کشاورزی روشن است . . . و معتقد است خرید برنج از سوی دولت به نح تولید کننده و مصرف کننده است و به نفع انقلاب تمام می شود . " (اطلاعات ۲ شهریور) " طرح " جوانرگ " شدن برنج فقط یک نمونه است و شما می توانید نمونه های بسیار دیگری در مورد آهن ، فرش ، پارچه و در مورد همه دیگر کالاها ی مورد نیاز تا حشره کش " پف پاف " ردیف کنید .

کارشکنی و خرابکاری ضدانقلاب که " هجومش را آغاز کرده " ، در همه زمینه ها چنان طغیان می شود و ملموسی به خود گرفته است که برخی از نمایندگان مجلس دیگر سکوت را جاذب نمی شنوند و تقاضای اقدامات جدی و عاجلی برای مبار ضدانقلاب دارند . مثلاً در نامه ای که آقای عباس شیبانی نماینده مجلس خطاب به " نمایندگان مجلس " نوشته (کیهان ۳۱ مرداد) و در آن برخی مشکلات را با " مسئولین از رئیس جمهور گرفته تا نخست وزیر ، وزراء و غیره " در میان گذارده و هشدار داده است که " مردم ، ۳۸ سال است که بعد از انقلاب مشکلات را بزرگوارانه تحمل کردند ولی تحمل تا کی ؟ " و اظهار نگرانی کرده است که ضدانقلاب که نتوانست " نه با کودتا ، نه با حمله نظامی و نه با جنگ دو ساله ، انقلاب را از بین ببرد ، با ایجاد نارضایتی موفق شود . " به نوشته های آقای شیبانی " یکی از مشکلات مردم ، مشکلات مسکن است که متأسفانه هنوز حل نشده ، از جمله (بدلیل) تصمیم قاطع و نهایی نگرین مجلس در مورد مالکیت اراضی شهری و در نهایت عدم اجرای آن . . . عملاً قیمتها سرسام آور بالا رفته و هرکس بهر قیمتی که می خواهد معامله می کند . خانه با صد هزار تومانی را تا ۲ الی ۳ میلیون تومان معامله می کند ؛ عملاً " به ضرر مستضعف . . . بمابید اصل ۲۹ را حامه عمل بهوشانیم آخر (مردم مستضعف) . ۱۵۰۰۰۰۰ هزار تومان از کجا بیاورند ، پول پیش بدهند یا ماهی ۴ ، ۵ هزار تومان اجاره بدهند . . . چه فائده محوز به یک مستضعف بدهیم و او بخواهد خانه بخرد و کمتر از ۳ میلیون تومان خانه پیدا نشود . . . آهن هم کیلویی ۲۰ تومان شده که نمی تواند بپردازد .

مشکل دیگر گرانی ارزاق و مایحتاج مردم است که اگر نبود ، مردم صبر می کردند ولی همان جنسی که در بازار نیست ، دستفروش ۶ برابر قیمت می فروشد و هنوز با این مشکل برخورد اصولی نشده است . کمبود دارو ، مشکل دیگری است که مردم ما با آن دست به گریبانند . چندین تن دارو در گریگ ترخیص نشده مانده و مردم ما برای یک مسکن ساده باید تمام داروخانه های شهر را زیر پا بگذارند . توزیع نفت ، بخصوص گاز درست انجام نمی گیرد . مردم ما گاه ۳ تا ۴ ماه منتظر آوردن یک کیسهول گاز می شوند ؛ ساله وسیله نقلیه و اتوبوسی مشکل دیگری است . . . ساعت ۸ شب ، اول پنج شصتوزان بمابید تا ببینید . . . انبوه مردمی که منتظر وسیله نقلیه هستند ، خدا لعنت کند منافقین را که رابطه نزدیک و روبرویی ما را با مردم قطع کردند . . . آنوقتها ، سوار اتوبوس می شدیم و بیشتر مشکلات مردم را لمس می کردیم .

خلاصه برادران ، خواهران مسئولیت خیلی سنگین است ، ما از بس مشکلات را شنیدیم بی تفاوت شدیم . . . ولی شما را از روزی بهمناک می کنم که باید بایستیم و پانتهگو باشیم . . . البته قبول دارم که مشکلات فراوان است ، بگفده کارشکنی می کنند ، یک عده با اخلاقیانند و می خواهند کار کنند وارد نیستند و یک عده را هم که کار می کردند با می توانند کار کنند با برجسبهای مختلف کار می گذارند .

هتدار توام با نگرانی تنها در نامه آقای شیبانی نیست . آقای احمد شاهابان نماینده مجلس از ممسنی نیز می گوید (کیهان ۳ شهریور) " جمهوری اسلامی از نظر سیاسی گامهای موتری برداشته . . . ولی از نظر مسائل اقتصادی و فرهنگی ، سوی اقدامات بسبب اقتصادی در مورد سهمیه بندی کالاها ی اساسی و طرح زمینهای شهری اقدامات چشمگیری نکرده ، عمده مسائل در این جهت (از جمله) مبارزاد از سهمیه گانی ، سوادآموزی ، تقسیم اراضی ، بازرگانی خارجی ، مسکن طبق اصل ۳۱ قانون اساسی ، ایجاد شبکه توزیع و رشد تولید نظم طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بودن نبودن ما ، از عدم اجرای این اقدامات ، ضدانقلاب ، محتسکین ، واسطه ها ، دلالان ، سرمایه داران وابسته نهایت سوءاستفاده را کرده اند و به حقوق ملت تجاوز کرده اند .

مردم با اعتبار اینکه شما (مسئولین) بالاخره باین محصل توجه لازم را خواهید کرد ساکت
هستد و حرف نمی‌زنند؛ والا امت حزب‌الله که هرروز صدها شهید به پیشگاه خدا و
انقلاب اسلامی تقدیم می‌کند برایش کار ساده‌ای است که شرف این از خدا بجهیران را از
سرای ملک کوتاه کند.

از این هشدارهای توأم با نگرانی می‌توان نوع‌های دیگری از " دست‌اندرکاران "
آورد. صحبت برسر "میلیونها و سلباردها" است که سرمایه بزرگ از حیب مردم
مستضعف می‌دردد. صحبت بر سر ضدانقلاب است که " هجومش را آغاز کرده " و
می‌خواهد عمدتاً در " میدان اقتصادی " انقلاب را بشکند. صحبت برسر ناراضی‌نراشی
است که با انواع اشکال " عمداً " از سوی دشمنان آگاه و غیرعمد از سوی دوستان نادان
انقلاب انجام می‌گیرد. صحبت بر سر اینست که پایگاههای اقتصادی و سیاسی آمریکا،
تا باقی هستند انقلاب در معرض خطر خواهد بود. صحبت برسر حفظ پایگاههای مردمی
انقلاب است که با انجام اصلاحات بنیادین قاطع مکررات و تحلیل و تاسیح و سازشکاری
و وقت‌گذرانی موجد زمینه مساعد بیشتری برای کارشکنی و حرابکاری ضدانقلاب است.

حوشیخی انقلاب در اینست که هنوز تناسب قوا در سطح جامعه نبود انقلاب و به
زبان ضدانقلاب است زیرا هنوز نوده " میلیونی مردم مستضعف، کارگران، زحمتکشان
کسوف نسناسان و محسروسان به اعتبار اینکه مسئولان خطاطامی به محضات توجه
دارند و درصدد رفع آنها هستند، امیدوارند. حوشیختی انقلاب همچنین در این است
که مسئولان خطاطامی پیش از پیش توجه محضات شده‌اند، توجه خطر ضدانقلاب که
" هجومش را آغاز کرده " شده‌اند و درصدد رفع مشکلات مردم و دفع خطر ضدانقلابند.
حوشیختی انقلاب همچنین در اینست که نفوذ معنوی - مذهبی - سیاسی امام، معلم و
نصیب‌کننده است ولی با اینهمه، همانطور که هشدارهای توأم با نگرانی نشان می‌دهد،
فاطمیت انقلابی بآنکه بر نوده‌های میلیونی و با همکاری همه نیروهای انقلابی، آن
اثری است که به کمک آن می‌توان و باید پایگاههای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی
ضدانقلاب را از جا برکند و راه پیشرفت انقلاب را سوی پیروزیهایی نهایی گشود. با
بارها این اصل استثنا ناپذیر همه انقلابها را بیان داشتیم که انقلاب توقع ناپذیر
نیست، انقلاب اگر بسوی اهدافش به پیش نرود، واپس می‌نشیند و لذا انقلاب ضد
امپریالیستی و مردمی ایران تنها با مبارزه قاطع علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا،
بقصد دستیابی به استقلال همه جانبه و با مبارزه قاطع علیه پایگاههای داخلی آن
بقصد تحقق عدالت اجتماعی نبود مردم مستضعف در یک کلمه با شکستن فاطمیت
مقاومت ضدانقلاب، راه پیروزمدانه خود را ادامه خواهد داد.

در اواخر هفته گذشته، امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی حکمی تحت‌الاسلام موسی موسوی را مجدداً "مامور رسیدگی و حل مشکلات خلق محروم و مستضعف کردستان نمودند. در قسمتی از این حکم آمده است: "هانگونه که قبلاً" مأموریت داشتید تا به مشکلات مذهبی و اجتماعی اهالی محروم و مستضعف منطقه کردستان رسیدگی نموده در رفع آنها کوشش نمایید، مقتضی است انشاءالله تعالی همان مأموریت را با فاطمیت و تلاش بیشتری پیگیری کرده و با تدبیر و گاردانی خاصی که دارید در رفع ناسامانیهای منطقه که معلول بی‌توجهی و با دشمنی رژیم منفور گذشته به خلق کرد و ویرانگری‌های فرقه‌های گمراه و خائن و ویرانگر می‌باشد، سعی کافی را بذول دارید.

این حکم رهبر انقلاب که بر لزوم رفع "مشکلات مذهبی و اجتماعی اهالی محروم و مستضعف کردستان" و بر ضرورت رفع "ناسامانیهای منطقه (کردستان) که معلول بی‌توجهی و با دشمنی رژیم منفور گذشته به خلق کرد و ویرانگری‌های فرقه‌های گمراه و خائن هستند تاکید دارد، عوید پیام تاریخی است که امام در ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۵۸ ابلاغ کردند و مضمون آن تأمین آرامش در کردستان و تأمین آسایش خلق کرد از طریق تحقق خواسته‌های برحق آنها یعنی رفع ناسامانیهایی که معلول بی‌توجهی و با دشمنی رژیم منفور و ستیزگانه بوده و بر آن ویرانگری‌های فرقه‌های گمراه و خائن (نظیر باند قاسملو و "پیکار" و "گوله" و "رنجبران" و "رزگاری" و غیره) افزوده شده است.

این حکم امام، امید و خوشبینی و نیروی تازه‌ای به پیروان صدیق خط امام که در کردستان مسئولیت‌هایی دارند می‌بخشد تا از طریق رسیدگی به مشکلات خلق کرد و رفع آنها، ضدانقلاب را در کردستان با سرعت و قدرت بیشتری منزوی و سرکوب کنند. صلح و آرامش را در کردستان برقرار نمایند، خلق مستعبد کرده را پیش از پیش جذب انقلاب کنند، از فعالیت مخرب و تفرقه‌افکنانه تنگ‌نظران و کج‌اندیشان که آگاهانه یا ناآگاهانه تخم نفاق و بذر کین‌توری می‌باشند، جلوگیری کنند.

ایجاد جنگو آشوب و بلوا در هرکجا از جمله در کردستان، کار ضدانقلاب و از اهداف آمریکا است. اعترافات قطب‌زاده، مزدور سرسپرده آمریکا، در دادگاه انقلاب این موضوع را مجدداً "و بخوبی اثبات می‌کند: در اوایل دهه‌های این‌عناص (قطب‌زاده) با افسران (ضدانقلابی کودتاگر) پیشنهاد آنها این بود که بهتر است اطراف کشور شلوغ باشد" (کجها ۳۱ مرداد ۱۳۶۱).

چرا؟ برای اینکه وقتی "شلوغ" باشد، امریکای جنایتکار و عمال مزدورش می‌توانند ماهی مقصود را از آب گل‌آلود بگیرند. و برعکس وقتی آرامش و آسایش برقرار باشد، زمینه برای خرابکاری ضدانقلابی می‌خشکد. پس از این طریق یعنی از طریق رسیدگی و رفع ناسامانیهای مبتلا به خلق مستضعف کرد و تأمین آرامش و آسایش در بین مردم محروم کردستان است که بهتر می‌توان ضدانقلاب مسلح مزدور را منفرود و منزوی کرد و آنرا سرکوب و نابود نمود.

در این هفته نیز در حالیکه سیاست فشار علیه تشکلهای کارگری و پایمال کردن حقوق کارگران از سوی وزارت کار همچنان ادامه داشت، تلاش پشتیبانان و پیروان خط امام در دفاع از تشکلهای کارگری و حقوق کارگران ادامه یافت. بسیاری از کلرگلیس خنر برنامه رادیویی "انقلاب، مردم و مسئولین" (شنبه ۶ شهریور ماه) صدای آشنایی را که در دفاع از شوراهای کارگری و حقوق کارگران سخن می گفت شنیدند. آقای کمالی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و از چهره های شناخته شده امور کارگری در مصاحبه با گزارشگر این برنامه گفت:

"شوراها بازوهایی برای انقلاب اسلامی (هستند)، وقتی ما تشکیل شوراها را متوقف می کنیم در حقیقت بخشی از کارهای انقلاب را متوقف کرده ایم."

آقای کمالی در دفاع از شوراهای کارگری، با تشریح چگونگی تشکیل آنها گفت:

"یکی از ثمرات تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات، راماندازی کارخانجات بود و اما در مرحله بعد، اخراج عناصر ضدانقلاب و کسانی که سعی می کردند چوب لای چرخ دولت و حکومت جمهوری اسلامی قرار دهند. کمالی در تشریح اثرات مخرب متوقف ساختن تشکیل شوراها گفت:

"تعطیل (شوراهای کارگری) فرصتی است برای کسانی که پرونده آنها در دست بررسی بوده و می توانند گارهایی بکنند که پرونده شان از دست بررسی خارج شود. او افزود: "با کسانی که شکایتشان را شوراها کرده بودند به مسئولین احراری و آن شکایت مورد بررسی قرار می گرفت، اما در شرایط فعلی کسانی برای پیگیری موضوع وجود نخواهند داشت."

آقای کمالی در بیان نقش انقلاب شکنانه متوقف ساختن تشکیل شوراها خاطر نشان ساخت:

"شوراها دارای مصونیتی بودند و باعتبار همین مصونیت ها، در مقابل عناصر ضدانقلاب ایستاده بودند."

ازداشتی انقلاب از پیروی و حرکت، درهم شکستن "ایستادگی در مقابل عناصر ضدانقلاب"، فراهم آوردن "فرصت" برای ضدانقلاب تا در کار "دولت و حکومت جمهوری اسلامی" اخلال کند. اینجا شرایط مناسب برای ساواکی ها، گمنامی ها، برمی می ها، بی صدرها، و مطراده های ناشناخته تا پرونده شان رو نشود، نامس "مصونیت" برای خرابکاری لیبرال ها و ضدانقلاب مقدس ما، اینستاص محضی خطی که دستور، متوقف ساختن شوراهای کارگری را می دهد، تشکلهای کارگری را در عمل تعطیل می کند. برای برعوت ساختن کارگران و جلوگیری از تلاش جمعی آنها در حل مشکلات و مسائل محیط کار بخشنامه صادر می کند، از فوایس صدکارگری دوران طاغوت دفاع می کند و با تمام نیرو کمر به احرای آن می بندد و ...

روشنگری آقای کمالی جلوه دیگری است از آگاهی پیروان اصل خط امام نسبت به ماهیت "حربان ضدانقلابی که نپاحتش را آغاز کرده است". این روشنگری، عینها بیانگر آگاهی نمایندگان خط امامی مجلس نسبت به شیوه ها و شگردهایی است که "طرفداران خط سرمایه داری" برای مسح و شکست انقلاب، بکار می بندند، بلکه توضیح دهنده رشد و بلوغ آگاهی در میان کارگران ایران است، که از ارکان انقلابی و همچنانکه در پیروزی انقلاب نقش قاطع داشتند، مسمد در حفظ دستاوردهای انقلاب و پیشبرد همه جاسه آن نیز وظایف انقلابی خود را به انجام برسانند.

در همین مصاحبه آقای کمالی اعلام کرده است:

"لایحه (شوراهای کارگری) از طریق وزارت کار تسلیم مجلس شد، که در کمیسیون مجلس مورد بررسی قرار گرفت ... و مورد قبول واقع نشد ... همچنین طرحی از طرف برادران نماینده از طرف نمایندگان شوراهای اسلامی، جدا از این لایحه،

تسلیم مجلس شد. این طرح در شرایط فعلی مورد بررسی قرار گرفته و در حال بررسی است و حدود ۲۸ ماده از ۵۲ ماده طرح شوراها به تصویب رسیده است."

این نیز نمونه دیگریست نه فقط از درگیری "خط ها" در زمینه مسائل کارگری، بلکه در همین حال بیانگر تصمیم خط امامی ها در ایستادگی در برابر خط سرمایه داری است. به نفس چنانچه نیروهای خط امام به نوده مردم اعتماد کنند، به پیروی از خط مردمی امام، خدمت به کارگران و مستضعفین راهسادت بنشانند، به پشتوانه آن قادر خواهند بود توطئه های کارگرسنزان را خنثی سازند. وظیفه ماست که در این راه ما تمام توان انقلابی خود پشتیبان و مددکار پیروان اصل خط امام باشیم.

« بیژن مفرور » « حسن دهقان دوخت » « مصطفی اسدی شاد » « محمد محمدسزاد »
نیر به خیل شهدای بازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیوستند .

رفقا و دوستان عزیز!

در این شماره نیز خاطره چهارتن دیگر از رفقایمان را که در جنگ تحمیلی و در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به شهادت رسیدند گرامی می‌داریم . عداکاری و ابتزار رفقای شهید در راه انقلاب و در دفاع از جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌ها و تحاورات حبه ضدانقلاب سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، نحوه‌های عالی از پاسندی و تعهد تا به آخر ، به راه و آرمان انقلابی سازمان ماست . وصایا و پیام‌های بهمانده از رفقای شهیدمان سرشار از برفروع‌ترین امیدهای انقلابی و مردمی برای تودمهای دهها میلیون رحمتگشا شهر و روستاست . این وصایا درحیثانت‌ترین آشنادی است که حیثیت ملی سیاسی سازمان ما را در دفاع از انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی بزرگو می‌کند و هرکلام آن ، انگری است که خشم مقدس مردمی را که برای کسب استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی بهاحسانه‌اند ، علیه امپریالیسم آمریکا ، و دیگر دشمنان انقلاب شمله‌ورتر می‌سازد . نورآگاهی می‌پراکند ، اتحاد بزرگ خلقی را نندارک می‌سپد و رهنمودی است ، که راه بازگشت‌ناپذیری انقلاب را توصیف می‌کند .

« رفیق شهید بیژن مفرور - در چهار ۶۱ به حبه جنوب اهرام گردید و در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۱ در حبه شلمچه ، بر اثر ترکش خمپاره به شهادت رسید . اودر یکی از آخرین نامه‌های خود ، از حبه می‌نویسد :

« ما باید هر چه بهتر و فداکارتر در نبرد عادلانه خلقی ما شرکت جوئیم . پیروزی در حبه ، خود موجب تسریع اجرای قوانین انقلابی بند " ج " و " د " ، ملی‌گردن تجارت خارجی و نظایر آنست ، باید هر چه پیشگرمز از دستاوردهای انقلاب و خط مردمی امام دفاع کرد ، این وظیفه همه نیروهای است که در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند .

« هنگام تسبیح بیکر پاک او ، که به خانواده رحمتکشی از روستای " قصاب محله " از توابع لاهیجان تعلق داشت ، زنان و مردان ، پیران و جوانان و حتی کودکان روستا حضور یافتند . مردان روستا ، با دستهای بینمسته تاوت او را بر سر گرفته و با نثار سرگ بسر امریکسا و این گل پرپر ماست - خمینی رهبر ماست به گورستان سرد و بیکرش را در حرمان انجام مراسم تدفین با اجرام و تکیه نایسه شهیدای راه و ایران انقلابی و مردمی محاک سپردند . در سومین روز شهادت او نیز ، احسن اسلامی " قصاب محله " از او عنوان یک مرد انقلابی و پشیمان خط امام تحلیلی بعمل آورد و خاطره‌اش را گرامی داشت .

« رفیق حسن دهقان دوخت ، ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ ، در حبه حرمشهر ، شهید شد .

« رفیق مصطفی اسدی شاد ، هنگام عملیات آزادسازی حرمشهر در مردادماه ۶۱ به خیل شهید پیوست .

« رفیق محمد محمدسزاد ، در ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ در حرمان عملیات پیروزمند حسالمقدس ، در حبه جنوب جان خود را فدای انقلاب کرد . در وصایای او می‌خوانیم :

« در دفاع از انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی امام ، برپایه خط مشی اصولی سازمانم به حبه می‌روم ، با انقلاب معاند و این بوده مسضعف ، فداکار و ابتزارگر بتواند سرانجام روی بیکسختی را ببیند . انگاش شهادت ما امیرجدا می‌ها را برداید و موجب رفع سوء تفاهم و باعث اتحاد تمامی نیروهای مدافع انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران شود .

رفقا و دوستان !

در پایان اغلب وصیایمان بهمانده از رفقای شهیدمان ، این شماره نونه شده است :

مرگ برامپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم خانیکار آمریکا
رنده سزاد انقلاب

درود بر رهبر انقلاب امام خمینی
درود بر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران

به احترام آنها در حوزه‌های سازمانی بهاحیریم ، بهمان بندهیم که همچون آنها به راه و آرمان سازمان ما به آخر وفادار بهانیم . میثاقی دوباره ببندیم که در راه انقلاب ، در راه پیشبرد همهجانبه انقلاب لفظای دست از ببرد علیه دشمنان انقلاب نشوئیم . و بنیاد لحظه شهادت رفقایمان ، رزمندگان مسلحان پیرو خط امام خمینی و مبارزان تودمهای سرود انقلاب را در سکوت احترام به بانگ جان برخوانیم :

مسیر بزرگ بسر امریکسا

در پایان دوسم سالگرد هفته جنگ ، در آغاز سومین سال جنگ تحمیلی ، خاطره ۲ رفیق شهید دیگر را که در حربه دفاع از صیبن و انقلاب در نبرد با تجاوزگران صدامی به شهادت رسیدند ، گرمای می‌داریم .
 ■ رفیق شهید محمد سلیمانی که در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۶۱ در جریان دفع حمله تجاوزگران صدامی در حوالی غلجه به کاروان شهدا پیوست ، پیکر پاک او را مردم زحمتکش نطنز با شکوه فراوان تشییع کردند . مردم که تابوت ثورا بر سر دست می‌بردند ، فریاد می‌زدند " این گل پرپر ماست ، طوفانی رهبر ماست " سرگ بر آمریکا

■ رفیق شهید ایرج رحیم‌زاده بالاجبی که در جریان فتح خرمشهر فدائیکاری‌های او بر سر زبان‌ها و آلبام‌بخش آثار و فدائیکاری افزونتر همسران در دفع تجاوز بود . در تاریخ ۲۲ تیرماه ۶۱ در حربه غلجه با قهرمانی شهید شد . توصیف رزمندگان همنسنگ او گویاست: " ایرج برای ما معلم بود و چراغ امید " .
 ■ رفیق شهید حبیب‌الله حسن‌زاده که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۵۹ در حربه بازی‌دراز ، بر اثر اصابت ترکش شماره ۵ ناحیه سر شهید شد . فر خانواده بسیار فقیر و زحمتکش پرورده شده بود و از اهالی روستای (آله) تنگابن بود یاد او در قلوب مردم زحمتکش روستایش و همه کسانی که او را می‌شناختند به عنوان یک مدافع پیگیر منابع زحمتکشان و رهبر جنگی‌ناپذیر راه زحمتکشان همیشه ماندنی است

■ رفیق شهید محمدهادوی در ۱۹ مرداد ۶۱ در نبرد با ضدانقلاب در کردستان به شهادت رسید او که در دفاع از جمهوری اسلامی در کنار سازمان پیرو خط امام خمینی با ضدانقلاب داخلی سرکردگی "برگه" در حربه کردستان رزمید و قهرمانانه شهید شد . پس از شهادت نیز از شابع گمنام‌نویزانه و بربرشتانه ضدانقلاب داخلی در امان نماند .

مراسم تدفین و بزرگداشت او توسط دستجات ضدانقلابی که در پوش حزب‌الله عمل می‌کردند ، در حالیکه از همراهی دوستان تا آناه انقلاب نیز برخوردار بودند ، برهم زده شد . مردم محل با تحلیل از شب و خانونده او به اعمال جنایتکارانه ضدانقلاب پاسخ دادند و انزجار خود را نسبت به ضدانقلابیون اعلام کردند .

رفقا و دوستان عزیز ا

اکنون شمار شهدای سازمان در جنگ تحمیلی به ۱۲۵ تن رسیده است با اینکه این شمار دربرگیرنده همه رفقای نیست که در دفاع از صیبن و انقلاب در نبرد با تجاوزگران صدامی به شهادت رسیدند با اینجه نشانه نقش بسیار بزرگ و با اهمیت سازمان ما در مقابله با توطئه‌هایی است که از سوی دشمنان انقلاب و در رأس آن امریکای جنایتکار برای بزانبودن آوردن انقلاب بزرگ مردم ما سازمان می‌یابند .

در دوسم سالگرد هفته جنگ که هفته مرگ بر آمریکا بود ، مردم در مراسم صیبن انقلابی ، خاطره فدائیکاری‌ها و قهرمانی‌های رزمندگان جنهمها را گرمای داشتند از شهدای جنگ تحلیل بعمل آوردند ، و نثرت عظیم خود را از جنگ ، از مسبب اصلی آن امریکای جنایتکار از عامل امریکایی آن صدام ، با مرود مرگ بر آمریکا فریاد زدند . مادررفقای شهیدمان در قلوب توده‌های دهها ملیونی مردم ما گرمای است این پیوند استوار ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) با توده مردم ، افتخار بزرگ ما و خودبزرگترین دلیل درستی و حاکمیت ملی اصولی سازمان در دفاع از انقلاب و مردم است .

شور و شوقی که در هفته سالگرد جنگ برای سازندگی ، توبه و آبادانی خرابی‌های جنگ توده‌های دهها ملیونی مردم ما بروز دادند ، نشانه بایز این حقیقت است که توده مردم بر خطر توطئه امریکایی طولانی‌مدت و فرماهایی کردن جنگ که برای فرمایش نیروهای انقلاب تدارک دیده شده است ، وقوف دارند این آگاهی مردم ، بزرگترین ضامن مقابله پیروزندهانه انقلاب با توطئه خطرناک امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه است . این افتخار است که در این مرحله نیز مسئولیت انقلابی و وطنی مردمی خود را بدرستی بازشناختیم و صادقانه بدان عمل کردیم .

رفقا ، خاطره شهدای جنگ تحمیلی را گرمای می‌داریم ، در حوزه‌ها به احترامشان باحیویم و مرود آنان را که مرود همه انقلابیون ، استین و تمامی مردم ماست با حروش تازه آواز دهیم:

رزم تجاوزگر صهیونیستی اسرائیل که با حمایت نظامی و سیاسی آمریکا نتوانست با دومی "حنگ شش روزه" علیه مردم فلسطین و لبنان به هدفهای اصلی نقشه خود دست یابد، اکنون با اصلاح و تکمیل نقشه‌های تجاوزکارانه و تدارک بیش از پیش نیرو می‌کوشد تا دور جدیدی از تهاجم را علیه حلقه‌ها و دولت‌های مترقی منطقه آغاز کند. در این مرحله نقش آمریکا در حمایت از زاندارم منطقه‌ای صهیونیستی خود، و حضور نظامی خود در منطقه "مسئور" نیست، آشکار و عیان است. ورود ۸۰۰ تنگنادر آمریکایی به غرب بیروت، برنامه آمریکا برای تقویت این نیروها و استقرار درازمدت آنها در لبنان، نقشه مشترک آمریکا و اسرائیل صهیونیستی برای تحمیل یک رژیم سرسپرده به رهبری بشیر جمیل فاشیست به مردم لبنان، تقویت پرشتاب نیروهای اسرائیلی و نقشه پیشروی این نیروها بسوی شمال و خاور لبنان که در آنجا اردوگاه‌های فلسطینیان و واحدهای سوری مستقرند، همه‌گواه آنست که تجاوزگران، کماکان در پی اجرای نقشه‌های تجاوزکارانه خود برای ماحر احوسی‌های بارهم خونین‌تری آماده می‌شوند. در چنین شرایطی برای همه نیروهای مترقی، شناخت ماهیت و هدف این نقشه‌های آمریکایی - صهیونیستی، شناخت امکانات امپریالیسم - صهیونیسم برای اجرای این نقشه‌ها و تشخیص وظایف جنبه نیروهای ضد امپریالیست منطقه در مقابل تجاوزگران ضرورت دارد. در این زمینه بویژه لازم است رویدادهای سه ماه اخیر لبنان در چارچوب سایل همپیوسته حاور نزدیک و میانه هرچه دقیقتر بررسی شود.

نقشه تجاوز: در بررسی رویدادهای اخیر لبنان شناخت نقشه و هدفهای تجاوزگران اهمیت اساسی دارد. در شناخت نقشه تجاوز سه نکته عمده وجود دارد: نخست اینکه نقشه تجاوز به لبنان نقشه مشترک آمریکا و اسرائیل است. مقامات آمریکایی خود به اشکال مختلف این واقعیت را بشیرمانه تأیید کرده‌اند. جمعی گارتر رئیس‌جمهور سابق آمریکا اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "ایالات متحده به اسرائیل برای مداخله نظامی در لبنان چراغ سبز نشان داده است" پیش از آن ریگان آشکاراً اعلام کرد: "دولت آمریکا با هر تصمیمی از جانب سازمان ملل که جنبه تشبیه اسرائیل (بخطا) تجاوز را داشته باشد قاطعانه مخالفت می‌کند." سبب ملاحظای آمریکایی که در جریان تجاوز به سوی اسرائیل سرازیر شد و همچنان سرازیر می‌شود و همچنین موضعگیری واحد آمریکا و اسرائیل در همه اجلاسهای شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل و استفاده وسیعانه آمریکا از حق وتو برای بازگذاشتن دست نیروهای تجاوزگر و سرانجام اقدامات مشترک کثیری آمریکا و تجاوزگران صهیونیست در لبنان همه سودار همدستی کامل دولت آمریکا و رژیم صهیونیست در تهاجم به لبنان است. هنگ زرگری ریگان و بگین و تظاهر دولت‌های آمریکا و اسرائیل به طرفداری از راه‌حل‌های سیاسی که بهنگام گیرافتادن در پیوست به آن متوصل شدند جزء قابل پیش‌بینی در این نقشه تجاوزکارانه مشترک آمریکا و اسرائیل بوده است.

نکته دوم این است که نقشه تجاوز آمریکایی - صهیونیستی به لبنان در چارچوب سیاست عمومی برتری جویانه و جنگ‌افروزان امپریالیسم آمریکا قرار دارد و جزو لاینفکی از این سیاست عمومی دولت ریگان است. امپریالیسم آمریکا به ویژه از زمان روی کار آمدن دارودسته ریگان، سیاست خارجی خود را به تمامی، برپایه زور و تجاوز و جنگ‌افروزی بنا نهاده است. امپریالیسم آمریکا اکنون آشکاراً از امکان توسل به "حنگ هسته‌ای محدود" یا "منطقه‌ای" برای حفظ مواضع از دست رفتن و بخطر افتاده خود دم می‌زند. حتی اخیراً آشکار شده است که آمریکا مشغول تکمیل طرح جنگ‌هسته‌ای درازمدت علیه اتحاد شوروی و ملل رهاشده جهان است. مطابق چنین سیاست‌های ماحراجویانه‌ای است که امپریالیسم آمریکا بشیرمانه از صدور ضدانقلاب، دخالت‌های خشن در امور دیگر کشورها و حتی "ایجاد یک سیستم جدید تحت‌الحمایگی جمعی" یعنی روی کار آوردن و حفظ رژیم‌های مرتجع سرسپرده با دخالت مشترک و مستقیم نظامی امپریالیست‌ها دم می‌زند. ماحر احوسی‌های خشن و خونین امپریالیسم آمریکا علیه حلقه‌های بی‌اخاسه و دولت‌های ضد امپریالیست در نقاط مختلف جهان از همین سیاست ناشی می‌شود. همدستی آمریکا و رژیم عراق در تجاوز به ایران، همدستی آمریکا و پاکستان در توطئه علیه افغانستان، همدستی آمریکا و آفریقای جنوبی در تجاوز به آنگولا، همدستی آمریکا و هندوراس در تجاوز به نیکاراگوا و سرانجام همدستی آمریکا و اسرائیل در تجاوز به لبنان همه اجزاء همپیوسته سیاست برتری جویانه و جنگ‌افروزان امپریالیسم آمریکا در برابر حلقه‌های جهان هستند که با همکاری متحدین و زاندارم‌های آن به اجراء گذاشته می‌شود. بنابراین تهاجم آمریکایی - صهیونیستی به لبنان را دقیقاً باید در چارچوب همین سیاست عمومی تجاوزکارانه و جنگ‌افروزان امپریالیسم و در رابطه با دیگر اجزاء نقشه عمومی آن دید.

نکته سوم این است که عهده تجاوز به لبنان بطور مشخص در چارچوب نقشه عمومی امپریالیسم آمریکا برای حاور نزدیک و میانه طراحی شده و تنها زمانی که در چارچوب

همین نقشه عمومی بررسی شود مابعد وهدیههای اصلی و نهایی آن مشخص می‌شوند. خاورمیانه و نزدیک قبل از آن. هر دلیل منابع، نفت و گاز و همچنین تبدیل موقعیت ممتاز استراتژیک که سه قاره را بهم وصل می‌کند و مهم‌ترین راه‌های آبی از آنها عبور می‌کند برای امپریالیسم سلطه‌گر و فارتگر اهمیت حیاتی دارد.

امپریالیست‌ها منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را "منطقه حیاتی‌ترین منابع" اعلام کرده و سعی دارند آنرا عملاً زیر پوشش پیمان تجاوری ناتو درآوردند. برای امپریالیست‌ها استقرار یک رژیم انقلابی در کنار کانال سوئز، در کرانه دریای سرخ، در شاخ آمریکا، در اقیانوس هند، در کرانه دریای عمان، در دو سوی تنگه هرمز در اطراف خلیج فارس و بالاخره در هریک از مناطق نفت‌خیز و استراتژیک خاورمیانه نزدیک فاجعه‌های تلقی می‌شود که هستی مجموع آنها را به خطر می‌اندازد. بنابراین هدف اساسی نقشه عمومی امپریالیسم حفظ و تحکیم سلطه، بر مجموع این مناطق نفت‌خیز و استراتژیک است و هر اقدام مشخص آن در هریک از نقاط خاورمیانه و نزدیک جزئی از همین نقشه عمومی و در جهت همین هدف اساسی است. بر همین پایه، همه رویدادهای این مناطق و مبارزه رهایی‌بخش همه خلقهای خاورمیانه و نزدیک عمیقاً بهم گره می‌خورد. در شرایط کنونی، چگونگی برخورد امپریالیسم با انقلاب ایران حلقه اصلی در مجموع رویدادهای منطقه است. تجاوز آمریکایی - صهیونیستی به لبنان که با هدف مستقیم نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین، روی کارآوردن رژیم دست‌نشانده در لبنان، تهدید حوریه، و وادار کردن کشورهای و نیروهای عضو جبهه پایداری به پذیرش طرح کسب‌نویس آغاز شد، در چارچوب نقشه عمومی امپریالیسم مستقیماً با انقلاب ایران ارتباط پیدا می‌کند و درهم شکستن انقلاب ایران و بازپرگرستن مواضع امپریالیسم در مجموع منطقه هدف نهایی آنست. بنابراین تلاش دستگاههای تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل برای محدود نشان دادن دامنه تجاوز و خلاصه کردن آن به سازمان آزادیبخش فلسطین و شهر بیروت (۱) دقیقاً جزئی از نقشه تجاوز و صرفاً برای فریب خلقها و دولت‌های ضدامپریالیست منطقه است. مسأله اساسی، بودن یا نبودن فلسطینیان در بیروت نیست. مسأله، بودن یا نبودن امپریالیسم و صهیونیسم در خاور نزدیک و مسأله است.

شکست تجاوز: اگر مسأله اساسی همانطور که دستگاههای تبلیغاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل وانمود می‌کند بودن یا نبودن فلسطینیان در بیروت بود ادعای تجاوزگران در مورد شکست مردم فلسطین و لبنان و پیروزی‌های شمشع آنها نیز می‌توانست چندان دروغ نباشد. اما حقیقت جز این‌است که آمریکا و دولت اسرائیل و دوستان و خدمتگزاران گاه و ناگاه آنها می‌گویند. حقیقت این است که در پی شکست تجاوز آمریکایی - صدهای به ایران، امپریالیسم آمریکا ضمن طرح توطئه‌های جدیدی علیه انقلاب ما، با همدستی اسرائیل نقشه از پیش طراحی‌شده، تجاوز به لبنان را به اجراء گذاشت تا با اصطلاح با تراجیح به این حلقه صمیم، ضمن درهم شکستن جنبش مردم فلسطین و لبنان قدرت خود را به نمایش بگذارد و با نمایش این قدرت رژیمهای وابسته به خود را در منطقه دلگرم و مطمئن کند که "موسام" پشت آنها در برابر نصیح و گسترش جنبش ضدامپریالیستی رهاشیشی در منطقه ایستاده است. هدف مقدم این نقشه (و حتماً سهل‌الوصول‌ترین هدف آن از نظر تجاوزگران) نابودی کامل سازمان

آزادیبخش فلسطین و هدف نهایی آن واردآوردن ضربهای کاری به مجموع جنبش رهایی‌بخش منطقه بود. آنها نقشه را به اجراء گذاشتند. صدوبست‌هزار نیروی مسلح با تازه‌ترین سلاحهای آمریکایی به لبنان حمله‌ور شدند. تازه‌ترین فرآورده‌های زرادخانه‌های نظامی آمریکا روی سر کودکان و زنان و سالخوردهگان فلسطینی و لبنانی آزمایش شدند، تجاوزگران به کشتار فاشیستی مردم پرداختند، شهرها، روستاها و اردوگاهها را ویران کردند، آب و برق و دارو و غذا را بر روی مردم محاصره شده بستند. از هوا و زمین و دریا بر روی بیروت آتش باریدند. با همه نیرو چندین بار برای کشودن غرب بیروت یورش آوردند، اما با مقاومت حماسه آفرین غیرمنتظره در نتیجه، بیست روبرو شدند، مجبور شدند مذاکره را بپذیرند و برای درآمدن ازین بن‌بست، زندگانی کودکان و زنان به‌دفاع لبنانی را گروگان خروج فلسطینیان از بیروت قرار دادند. تجاوزگران طبرقم همه درنده‌مغویها چهار شکستهای پی‌سابقهای در تاریخ درگیری‌های صهیونیسم با ملل عرب شدند. نقشه تجاوز در جهات اصلی آن با شکست روبرو شد. تجاوزگران از نظر سیاسی بکلی با شکست روبرو شدند، همی بطور پی‌سابقهای

در عرصه سیاسی جهان مغرور و مغرور شدند. از نظر نظامی ارتش ۱۲۰هههه نمری اسرائیل در برابر چند هزار رزمنده، فلسطینی و لبنانی و سوری چنان تلفاتی متحمل شد که در تاریخ آن پی‌سابقه است. تلفات ارتش رژیم صهیونیستی اسرائیل در جریان این تجاوز از مجموع تلفات آن در تمام جنگهای پیشین با مردم عرب، از سال ۴۸ به این سو بیشتر است! ارتش اسرائیل حتی با یکجنگ ۶۰ روزه هم نتوانست دفاع غرب بیروت را درهم بشکند. آشکار شدن بیش از پیش سیمای جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم خونخوار، شکستهای سخت سیاسی و نظامی تجاوزگران، و پایداری جاننازانه و شکوهند مردم فلسطینی و لبنان، از یکسو در میان خلقهای عرب و همه خلقهای منطقه و جهان موج سرکشی از خشم و نفرت علیه تجاوزگران برانگیخت و از سوی دیگر موجب بحران در اسرائیل تشدید بحران در سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا گردید. آقای بگین که در غرب بعنوان دارنده جایزه صلح نوبل معرفی شده بود، به مغریت جنگ و جنایت تغییر شکل داد. آقای کارتر به افتخار آقای ریگان مشغول شد، آقای ریگان به جنگ زرگری با بگین مشغول گشت و آقای برنوکرایسکی صدراعظم اتریش از جانب دسته بزرگی از متحدان آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل اعلام داشت: "تمام ملل جهان وقتی درباره مواظب احتمالی جنون رهبران اسرائیل که فقط به ترور اسلحه‌انگه دارند می‌اندیشند بوهای‌تشنان راست می‌شود!"

در نتیجه پایداری قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان و عربان شدن بیش از پیش سیمای اهریمنی تجاوزگران حتی دوستانی چون مبارک و شاه‌حسین و امیرفهد و امثالهم نیز از ترس انفجار خشم خلقهای دربند کشورهای خویش، صدای اعتراض بلند کردند و مخالفت خود را با اعمال تجاوزگران آگهی کردند.

سازمان آزادیبخش فلسطین، با افتخار تمام و با اعتباری بیش از هر زمان، با پرچم فلسطین و با سلاح خودبا خواندن سرود و با سربلندی و بخاطر حفظ جان مردم غیرنظامی لبنان، بیروت را ترک کرد. این چیزی بود که هرگز در نقشه تجاوز نمی‌توانست پیش‌بینی شود و کاملاً به تجاوزگران محتمل شد. سازمان آزادیبخش فلسطین اکنون بیش از هر زمان در مقایسه بین‌المللی کسب اعتبار نموده و تجاوزگران بیش از هر زمان در نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین ناتوان‌اند. یک نهرنگ تبلیغاتی امپریالیسم: فلسطینیان در چه شرایطی اینگونه قهرمانانه جنگیدند؟ آنها در شرایطی چنین شکستهای بر دشمنان وارد آوردند که میدان رزم

آنها کشور دیگری بود که رزمی ضدامپریالیستی و مردمی بر آن حکومت نمی‌کرد و در مبارزه با تجاوزگران صهیونیست حتی در انتخاب و تعیین جبهات نبود نیز آزاد نبودند. آنها نمی‌توانستند از دوستان و متحدین خود بخواهند که از طریق نظامی به کمک آنها شتابند چون این امر از حقوق دولت لبنان بود. آنها نمی‌توانستند نیروی هوایی داشته باشند چون اجازهٔ چنین کاری در لبنان به آنها داده نشده بود. آنها مجبور بودند علاوه بر تجاوزگران آمریکایی - صهیونیستی با ستون پنجم آن شامل فلاترئیستهای بشرجمیل، دارودسته سعد حداد و رهبری خاش و نیروهای راست درون سازمان امل نیز بجنگند. آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل برای پوشاندن حواصه مردم فلسطین و شکستهای خود می‌کوشند که همهٔ مساله را در "بیروت" خلاصه کنند و چنین وانمود سازند که کوبی در نبرد برابر با آنها فلسطینیان شکست خورده و تسلیم آنها شده‌اند. تجاوزگران در راستای این تلاشها توسط عوامل ناشناخته و چپ‌ها و انقلابی‌نمای خود در تمام کشورهای منطقه می‌کوشند ساف را نیرویی سازشکار معرفی کنند که پرچم مبارزه را در برابر آنها بر زمین گذاشت. از این طریق آنها می‌خواهند چهره درخشان ساف را لکه‌دار سازند و بخشی از گناهان خود را با آن تقسیم کنند.

تلاش برای ادامهٔ تجاوز: در نتیجه شکستهای سیاسی و نظامی که نصیب آمریکا و رژیم صهیونیستی در لبنان شد و در نتیجه بحرانی که دامگیر تجاوزگران گردیده آنها بیش از پیش در بن‌بست قرار می‌گیرند. اما شکست نقشه آمریکا در لبنان و سبب آنست که به آن گرفتار شده، منجر به تغییر سیاست تجاوزگاران آن شده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌کوشند تا کماکان از طریق توسل به زور و تجاوز و شکستهای خود را

حیران کند. این دیگر حصصه دانی امپریالیسم و صهیونیسم و فاشیسم است. مادام که جنبش رهایی‌بخش مردم پیش می‌رود، مادام که انقلاب ایران رنده است و مادام که دولت‌هایی مرفی وجود داشته باشد. مادام که "منافع" امپریالیسم در این مناطق حیاتی تهدید شود امپریالیسم دست از نوطه و تجاوز نخواهد داشت. آمریکا اکنون آشکارا قصد خود را برای سوبت و حفظ نیروهای خود در لبنان برملا کرده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل همراه بر آن هستند تا رژیم دست‌نشانده فاشیستی به رهبری بشرجمیل به لبنان تحمیل کنند. نیروهای اسرائیلی در لبنان مدام نفوذ می‌توند و اکنون در درهٔ بقاع که نیروهای شوروی مستقر هستند احتمال درگیری بیشتر می‌شود. رژیم تجاوزکار صهیونیستی اسرائیل با حمایت آمریکا قصد دارد در لبنان بماند و در شمال و حاور لبنان پیشروی کند و حتی سوریه را تهدید نماید. تجاوزگران آشکارا قصد خود را برای ادامهٔ تجاوز اعلام می‌دارند. آنچه می‌تواند ادامهٔ چنین تجاوزی را - که هدف اساسی آن گسترش و تحکیم سلطه امپریالیسم بر سراسر منطقه و آماس عمدهٔ آن نابودی انقلاب ایران است - مهار کند و درهم‌شکند قبل از همه اتحاد هدفمند کشورها و نیروهای ضدامپریالیست منطقه است. جنبش رهایی‌بخش مردم فلسطین همچنان همچنان ساله مرکزی خاور نزدیک و هدف مقدم نوطه‌های آمریکایی - صهیونیستی در این منطقه، و انقلاب ایران به عنوان حلقه اصلی تمام رویدادهای منطقه و هدف عمدهٔ امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس اکنون در برابر دشمنی واحد با مسائلی مشترک روبرو هستند. تحکیم اتحاد انقلاب ایران با جنبش رهایی‌بخش فلسطین و با همهٔ کشورها

و نیروهای ضدامپریالیست منطقه برای انقلاب، برای سرنوشت مردم فلسطین و برای همهٔ کشورها و نیروهای ضدامپریالیست منطقه امری فوری و حیاتی است. سفر فلسطین در ایران، طی مصاحبه با روزنامه اطلاعات - شنبه ۶ شهریور - اعلام کرد: "از همان روز اول طی یادداشت‌های متعددی پیشنهاد کردیم برای اینکه تصمیمات بالستری اتخاذ شود یک کمیته برادری فلسطینی - ایرانی در عالیترین سطح به منظور انجام گفت‌وگوهای دائمی پیرامون این روابط و راههای مبارزهٔ مشترک جنگ با صهیونیسم و امپریالیسم و شیوه‌های مبارزات آینده علیه آمریکا و صهیونیسم تشکیل شود" وی تأکید کرد که "این کمیته باید فوراً تشکیل شود و هیات نمایندگی ملت فلسطین در اینجا جزء لاینفک این کمیته باشد." بدون شک این پیشنهادی اصولی است که جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه جدی مبذول دارد. تشکیل چنین کمیته‌ای به نوبه خود گامی مهم در هماهنگی مبارزهٔ مشترک همهٔ خلقهای منطقه علیه نقشه‌های تجاوزگاران و در دست اجرا، امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکاست.

سیزدهمین اجلاس وزیران خارجه کشورهای اسلامی که در کشور نيجر در شهر نيامي برگزار شد، پس از چهار روز بحث و مذاکره با صدور قطعنامه‌ای پایان یافت. قطعنامه مذکور از این لحاظ جالب و قابل بررسی است که مضمون عمده آن ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی است. هرچند ماده‌ای نیز در مخالفت با کمک نظامی شوروی به انقلاب ضدامپریالیستی افغانستان در آن گنجانده شده است.

کنفرانس کشورهای اسلامی که از سال ۱۹۶۹ تاسیس شده، تاکنون سه اجلاس در سطح سران و ۱۳ اجلاس در سطح وزیران داشته است. در این گردهمایی‌ها، تا قبل از اجلاس اخیر بدلیل اینکه اکثریت نمایندگان از کشورهای مرتجع‌اند، تصمیمات متعده عمدتاً بسود امپریالیسم بود. گرچه در آن قطعنامه‌ها "انتقادی هم علیه صهیونیسم، محض خالی نبودن مریضه کرده‌اند، ولی در قطعنامه صادره از سوی اجلاس اخیر، برعکس سمت اصلی، تصمیمات علیه امپریالیسم و صهیونیسم است و این بدلیل تغییر کیفی شرایط است، که باعث شده کشورهای مترقی و ضدامپریالیستی عضو، نظیر سوریه، ایران، الجزایر، فلسطین، بتوانند علیرغم اینکه در اقلیت‌اند، نظرات خود را در اجلاس تا حدود زیادی برگسی بکشاند.

سیزدهمین اجلاس وزیران کشورهای اسلامی در شرایطی تشکیل شد که بغرت و خشم نوده‌های میانی در همه کشورهای جهان، از جمله در کشورهای اسلامی نسبت به تجاوز ددمنشانه رژیم صهیونیستی اسرائیل به لبنان شدت شعاعور است. در شرایطی که چهره درنده امپریالیسم امریکا بیش از هروقت دیگر بر ملا شده و اعتراض عمومی در سطح جهان علیه درندگان امریکایی و آدمشواران صهیونیستی، چنان گسترش یافته، که حتی مثلاً در کویت ملی‌رغم صنوعیت تظاهرات، ۵۰ هزار نفر به تظاهرات خیابانی پرداختند و خواستار قطع صدور نفت به امریکا و اسرائیل شدند.

این اجلاس در شرایطی برگزار شد که امواج اعتراضات همگانی علیه جنایات فحیح امریکا و صهیونیسم که نسبت به مردم لبنان و فلسطینیان مرتکب شده‌اند، حتی به خود امریکا و به خود اسرائیل نیز سرایت کرده است و ما در بولش‌های هفتگی به آنها اشاره کردیم.

در چنین شرایطی هیچ مرتجعی از کشورهای اسلامی، از ترس واکنش انفجارآمیز خلق خود، نمی‌توانست جرات کند و جرات نکرد، ملنا خود را طرفدار امریکا و صهیونیسم معرفی کند و یا در رد نظرات ضدامریکایی و ضد صهیونیستی ملنا و با ساجت بوسنگیری نماید. لاجرم در اجلاس وزیران کشورهای اسلامی جوی حاکم بود که در آن نمایندگان کشورهای مترقی و ضدامپریالیستی اسلامی، هرچند نسبت به اکثریت، اقلیتی انگشت‌شمارند (ایران، سوریه، فلسطین الجزایر و یمن دموکراتیک)، توانستند نظرات خود را عمدتاً به پیش ببرند و این نظرات را در قطعنامه بکشاند.

در نتیجه در قطعنامه، امریکا بدلیل پشتیبانی همه جانبه از تجاوزگران صهیونیستی در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی که به رژیم صهیونیستی اسرائیل، امکان داده با گستاخی در خاک لبنان مرتکب جنایات عظیمی شود، محکوم شده‌است. در قطعنامه بر ضرورت اعمال فشار اقتصادی به تجاوزگران و حامیان آنها تأکید شده است. در قطعنامه به کشورهای اسلامی توصیه شده، در روابط خود با امریکا تجدیدنظر کنند.

در قطعنامه از کشورهای اسلامی درخواست شده به مقاومت فلسطین در زمینه‌های مالی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی کمک شود. در قطعنامه نظراتی نیز درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فلسطین، نامیبیا، افغانستان... مطرح شده است.

بدیسان مضمون عمده و سنگینی اصلی قطعنامه سیزدهمین اجلاس وزیران کشورهای اسلامی، ضدامپریالیسم امریکا و ضد رژیم صهیونیستی اسرائیل از آب درآمده است.

می‌توانید گویند که موافقت نمایندگان دولتهای مرتجع اسلامی به این قطعنامه اخباری و ناشی از شرایط بود و لذا صوری و ظاهری است. آری صوری و ظاهری است ولی ساله اساسی که باید در نظر گرفت همان شرایط جدید ناشی از اعتراضات همگانی توده‌های میانی حلقه‌ای است که مرتجعین را هم مجبور به این تظاهر ضدامپریالیستی - صهیونیستی می‌کند. ساله اساسی همین شرایط جدید است که حتی دولتهای مرتجع تاب مقاومت در برابر آنها ندارند و ناگزیر باید خود را با آن وفق دهند و اگر وفق ندهند در معرض خشم خلق خودی واقع می‌شوند. ساله اساسی همین شرایط جدید است. وقتی ما می‌گوییم امریکا و اسرائیل در تجاوز ددمنشانه به لبنان و فلسطینیان پیروز نشده‌اند و شکست خورده‌اند، مقصود ما همین شرایط است. شرایطی که دولتهای

دست نشانده امیر بالینیم نیز ناگزیر از هر چند ظاهری (باید خود را تا آن حد همادنگ
نشان دهند و چون مالاً نمی توانند محلاً "همادنگی" کنند. در معروضی هم خلیفای
"خودی" قرار خواهند گرفت. در چهار بحر آن خواهند شد و بر سر آنها همای خواهد آمد
که بر سر آن سورینه (شاه) آمد.